

زمانی که مادر بزرگم هنوز زنده بود و ظرف‌های چینی گل‌سرخ‌اش نشکسته بود، کاسه‌ای داشت که روی آن طرح گل و مرغ کشیده بودند؛ کاسه‌ای سفید با نوار سرمه‌ای که نمی‌دانم چطور چند روز بعد از مرگ مادر بزرگم از روی طاقچه افتاد و شکست. مادرم که آن کاسه را خیلی دوست داشت، تکه‌هایش را از روی فرش خاک گرفته جمع کرد، داخل صندوقی گذاشت و با خود به خانه آورد. این اتفاقات برای چند سال پیش بود، زمانی که هنوز مرسوم نبود در فضایی به جز کارخانه‌های پر از نیرو و امکانات ظرف‌های چینی و سرامیکی ساخته شوند. هفته پیش که صفحه‌های مجازی را بالا و پایین می‌کردم چشمم به صفحه دختری افتاد که خودش در مدل‌های متنوع و خلاقانه ظرف‌های سرامیکی می‌ساخت و روی آن‌ها طرح‌های گوناگون می‌کشید. همان موقع یاد ظرف مادر بزرگم افتادم که سال‌ها پیش شکسته بود. به آن صفحه پیام دادم و عکس تکه‌های ظرف شکسته را فرستادم. از صاحب کار خواستم کاسه‌ای سرامیکی مثل همان کاسه قدیمی بسازد.

چند روز بعد کاسه‌ای که خواسته بودم آماده شد و دختر هنرمند آن را برایم پست کرد؛ ظاهر کاسه هیچ تفاوتی با اصل آن نداشت. وقتی کاسه را به مادرم دادم، آن را کنار عکس مادر بزرگم روی میز گذاشت. حالا کاسه سرامیکی یاد مادر بزرگم را برای ما بیشتر زنده نگه می‌دارد.

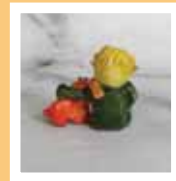
آن هنرمند که کاسه‌ای مثل کاسه مادر بزرگم برایمان ساخت، **فرزانه فلاح** متولد فروردین ۱۳۷۵ ساکن شهر مشهد است. دیپلم گرافیک دارد و از آن هنرستانی‌هایی است که صفر تا صد کارش، سرامیک‌سازی، را یاد گرفته است و همه کارها را خودش انجام می‌دهد.



کارگاه گلی

هنر؛ از دبستان تا هنرستان

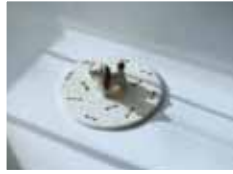
اگر شما هم در دوره کودکی در کلاس‌های هنری شرکت کرده باشید، می‌دانید فضای اکثر آن کلاس‌ها آن قدر جذاب هستند که شاید تا آخر عمر در ذهنتان بمانند و روی تمام زندگی‌تان تأثیر بگذارند. یکی از کسانی که کلاس‌های هنری روی زندگی و شغل آینده‌اش تأثیرگذار بوده، فرزانه فلاح است. فرزانه از زمانی که دانش آموز دبستانی بود، در کلاس‌هایی مثل نقاشی شرکت می‌کرد. از همان دوره «هنر مند بودن» به یکی از ویژگی‌های شخصیتی او تبدیل شد. دوره اول متوسطه (زمان ما به این دوره «راهنمایی») می‌گفتند دوره‌ای بود که او باید انتخاب رشته می‌کرد و تصمیمش را می‌گرفت. خوشبختانه معلمان و خانواده او هم به سلیقه و انتخابش احترام گذاشتند و فرزانه در رشته گرافیک هنرستان «علم و صنعت» شهر مشهد ثبت نام کرد.



دوره هنرستان

وقتی چیزی را دوست داشته باشیم، از تلاش کردن برای موفق شدن در راه آن هم لذت می‌بریم و سعی می‌کنیم هر روز در آن پیشرفت کنیم. فرزانه عاشق گرافیک بود. خواندن بسیاری از درس‌ها مثل عکاسی، چاپ یا طراحی لوگو برای او صرفاً به قصد نمره آوردن نبودند. فرزانه آن درس‌ها را دوست داشت. فرزانه فلاح: «معلم‌های هنرستان خیلی خوب و توانمند بودند، واقعاً هنرستان عامل و دلیل رشد من بود. گرافیک خواندن باعث شد من برای طراحی کردن سازه‌های متفاوت از قدرت خلاقیتم استفاده کنم. من صفر تا صد کار سرامیک‌سازی را که شغل اصلی ام است در هنرستان یاد گرفتم.»

فرزانه از دوره هنرستان، مثل همین الان، دوست داشت آدم مستقلی باشد و روی پای خودش بایستد. او از همان دوره هم کارهای هنری را برای درآمد کسب کردن انتخاب کرد و صناعی دستی را که خودش می‌ساخت در نمایشگاه «فروش صنایع دستی» هنرستان می‌فروخت.



گالری سرامیک

فرزانه مثل بسیاری از هنرجویان به گالری رفتن و دیدن نمایشگاه‌ها علاقه خاصی داشت. او عاشق سازه‌های سرامیکی بود و در هر نمایشگاهی میان صدها اثر هنری، یک سازه سرامیکی توجهش را جلب می‌کرد.

فرزانه فلاح: «من شیفته سازه‌های سرامیکی بودم و زیاد به گالری‌ها می‌رفتم. یک بار از طریق دوستی به کارگاه سازه‌های سرامیکی معرفی شدم و آنجا مشغول به کار شدم. آن اوایل فقط روی سرامیک‌هایی که همکارانم می‌ساختند نقاشی می‌کشیدم، اما به مرور خودم همه جزئیات کار را یاد گرفتم.»

آن کارگاه مقدمه‌ای شد تا فرزانه در کارش ماهر شود و «فراستودیو» متولد شود.



فراستودیو

زمانی که می‌خواستیم با فرزانه صحبت کنیم، یکی از چیزهایی که برایم عجیب بود، نامی بود که روی سازه‌های سرامیکی‌اش گذاشته بود؛ فراستودیو! از او پرسیدم این اسم یعنی چی؟ او هم گفت ترکیبی از اول اسمش، فرزانه، و واژه استودیو است.

فرزانه در کارگاهی که کار می‌کرد، ساخت سازه‌های سرامیکی را یاد گرفت؛ از طراحی روی کاغذ شکلی که می‌خواهد گلش به آن شکل درآید تا مرحله ورز دادن گل با دست و گذاشتن آن در کوره.

افتتاح فراستودیو به بودجه خیلی زیادی نیاز نداشت، اما به هر حال برای خریدن مواد اولیه و کوره به بودجه مختصری نیاز بود که فرزانه با کمک خانواده و پول‌هایی که پس انداز کرده بود آن را تأمین کرد.

کار فراستودیو نه در کارگاهی بزرگ و مجهز و نه با صرف پول و گرفتن مجوزهای متعدد شروع شد! فراستودیو در اتاق خود فرزانه با وسایلی مثل کاغذ طراحی و گل آغاز به کار کرد.



آموزش سرامیک

آدم‌هایی که به کارشان خیلی علاقه‌مندند، دوست دارند آن را به بقیه علاقه‌مندان هم یاد بدهند. فرزانه هم یکی از آرزوهایش این است که در فراستودیو شاخه‌ای به نام «آموزش سرامیک» بگذارد و این هنر را به دیگران یاد بدهد. البته این تنها خواسته فرزانه نیست. او می‌خواهد در آینده نه چندان دور فراستودیو را به استودیوی بسیار بزرگ‌تر و آن را به برند تبدیل کند.